



# شبهات و چالش‌های دانش‌آموزان در مسائل دینی و نحوه‌ی مواجهه با آنها

زهره انتشاری  
خدیجه نوربخش  
آموزش و پرورش ناحیه‌ی ۱ اصفهان

▲ **کلیدواژه‌ها:** مسئله‌ی دینی، تعلیم و تربیت، رشد متوازن، خانواده، نظام آموزشی، تعقل و تفکر، فطرت و شناخت.

دینی نباید دانش‌آموزان را به کتاب‌های رسمی و آموزشی کلاس محدود و محصور کنیم، ولی در حال حاضر درس دینی و قرآن در نظام آموزشی ما رسمی، مستقیم و اجباری هستند؛ یعنی در نظام آموزشی ما به امر تعلیم و تربیت دینی همواره مثل دیگر دروس (مثل ریاضی، فیزیک و شیمی) توجه شده است و در کلاس بر اموری از پیش تعیین شده تأکید و اصرار می‌شود.

## ۲. بی‌توجهی به تعقل و خردورزی

علاوه بر این که در آموزش، ما بر پیش‌فرض‌ها تأکید می‌ورزیم، به اساسی‌ترین محور دین، یعنی تفکر و تعقل تکیه نمی‌کنیم. در حالی که مکتب تربیتی اسلام، برای بهره‌گیری از دین و حاکمیت آن بر حیات انسان‌ها، با دیانت تقلیدی مبارزه می‌کند و به‌منظور تعدیل دین، ابتدا همه را به تفکر و تعقل در مفاهیم و مبادی دینی و کشف حقایق الهی دعوت و تقلید و متابعت کورکورانه از آبا و اجداد را منع می‌کند. [۲۲]: «أَنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» [انفال]

به این نکته باید توجه کرد که اگر آموزش در حد گفتن و شنیدن پایان یابد، تفکر تعطیل می‌شود و دانش بدون تفکر، بزرگ‌ترین مانع تربیت است و شخص را به خودبینی، نخوت و کوتاه‌نظری می‌کشاند.

## ۳. فقدان جامع‌نگری و عدم تعادل در توجه به همه‌ی ابعاد معرفتی دین

با وجودی که در مکتب اسلام بر مسائل اعتقادی، اخلاقی و معنوی بیش از مناسک و احکام تکیه می‌شود، اما در مدارس ما خلاف این را مشاهده می‌کنیم. تأکید بر مناسک و عبادات، آن هم به‌صورت ظاهری و صوری، کنار گذاشته شدن معنویات و از همه مهم‌تر بی‌توجهی به عشق و رغبت و ایجاد انگیزه، از عوامل بازدارنده‌ی تربیت دینی است.

اگر آموزش در حد گفتن و شنیدن پایان یابد، تفکر تعطیل می‌شود و دانش بدون تفکر بزرگ‌ترین مانع تربیت است و شخص را به خودبینی، نخوت و کوتاه‌نظری می‌کشاند



«تعلیم و تربیت امروز از نبود دو عنصر حیاتی «عشق» و «تفکر» رنج می‌برد آموزش بدون «تفکر» و پرورش بدون «عشق» از جمله بزرگ‌ترین آفات دستگاه‌های تعلیم و تربیت معاصر است



## مقدمه

«آموزش و پرورش» آن قاعده‌ی اساسی برای بنای رفیعی است که می‌خواهیم برای آینده‌ی کشورمان داشته باشیم» (مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای). «تعلیم و تربیت باید رشد متوازن (هماهنگ) کل شخصیت انسان را در تمام ابعاد وجودی انسان یعنی روحی، عقلانی، تخیلی، جسمانی و علمی هم به‌طور فردی و هم به‌طور جمعی رشد دهد و او را به سوی خیر و دست‌یابی به کمال راهنمایی کند. به‌طور کلی، هدف نهایی تعلیم و تربیت اسلامی، نیل به کمال و تسلیم‌شدن در برابر خداوند در سطوح فردی، اجتماعی و انسانیت است.» این تعریف دیدگاه جامع‌ی را درباره‌ی اهداف تعلیم و تربیت ارائه می‌دهد. از این رو می‌توان گفت تعلیم و تربیت اسلامی، فرایند شکفتن و پرورش قوای فطری انسان است.

اولین محیطی که می‌توان این امر را در آن محقق ساخت، محیط خانواده است. سپس نظام آموزشی و معلم‌انسان را به سوی تجربه‌هایی عمیق‌تر راهنمایی می‌کنند و نهایتاً محیط جامعه و دیگر نهادها عهده‌دار پرورش اعتقادات و گسترش ارزش‌ها هستند. در این فرایند و گذر سیر تربیتی، کودک با وجودی که به محیطی امن پا می‌گذارد، احتمالاً یا به علت قدرت نقد و تحلیل یافته‌های خویش و یا به علل دیگر، مثل بحران‌های فراروی جوامع در اثر تحولات سریع، دچار تناقضات و چالش‌هایی می‌شود. در مقاله‌ی حاضر، به بعضی از علل و عوامل این شبهات و شیوه‌های مواجهه با آن پرداخته‌ایم.

## ۱. رسمی بودن دروس دینی و قرآن

بی‌شک یکی از نهادهایی که رسالت خطیر تربیت دینی را به عهده دارد، آموزش و پرورش است. گرچه به‌منظور نهادینه‌شدن تربیت



«طرح مکرر مطالب یکسان و یکنواخت، تکرار مداوم نصایح و ارزش‌های دینی بدون توجه به ظرافت‌های آن، خود موجب دل‌زدگی و نهایتاً دین‌زدگی است» [کریمی، ۱۳۷۹: ۲۲۲].

برخی از ما معمولاً دین‌داری را با اجرای رسوم و آداب دینی یکی می‌دانیم. البته دین بدون مناسک معنی ندارد، اما دینی که منشأ آثار اجتماعی و فرهنگی می‌شود، چیزی بیش از عادات است. فراموش کرده‌ایم که دین‌باوری امری درونی است و فرد باید با شوق به آن نزدیک شود.

«تعلیم و تربیت امروز از نبود دو عنصر حیاتی «عشق» و «نظر» رنج می‌برد. آموزش بدون «نظر» و پرورش بدون «عشق» از جمله بزرگ‌ترین آفات دستگاه‌های تعلیم و تربیت معاصر است. در این نظام‌ها، فروپاشی درونی معرفت و بصیرت از یک‌سو و کمرنگ‌شدن حس کنجکاو و عشق به دانستن از طرف دیگر پدید می‌آید که جریان آن با هیچ محرک و مشوق دیگری امکان‌پذیر نیست» [همان، ص ۱۰۱].

تعلیم دینی باید مطابق اهداف تعیین شده و با توجه به نیاز و رغبت دانش‌آموزان در همه‌ی ابعاد فطری و معرفتی صورت گیرد. «هرگاه تصمیم می‌گیریم که با نوعی شتاب‌زدگی کودک را با برنامه‌ها، شعائر و قالب‌های از پیش ساخته شده، به عشق ورزیدن به مقدمات دین واداریم، مانع شده‌ایم تا او فرصت پیدا کند که عشق و رغبت را در درون خود بیابد. و هرگاه تلاش کنیم که براساس مصلحت و خواسته‌های خویش، نه قابلیت‌های دانش‌آموز و نیاز و رغبت او به تربیت دینی اقدام نماییم، از همان لحظه مانع شده‌ایم که وی به حکم فطرت خویش، پاسخ‌گوی خودانگیزته‌ی نیازهای دینی‌اش شود» [کریمی، ۱۳۷۹: ۲۲۴].

از سوی دیگر، طرح مطالب یکسان و یکنواخت آن هم به‌صورت نظری در کتاب‌های درسی، فرصت توجه به تجربه و مشاهده را از متعلمین گرفته است. با وجود این که نظریه‌ی تربیتی اسلام، جایگاه تجربه و مشاهده را نادیده نمی‌گیرد گرچه اسلام درباره‌ی ارزش این روش در کسب معرفت مبالغه نمی‌کند ولی به هر حال حواس از مهم‌ترین ابزارهای است که نمی‌توان از آن بی‌نیاز بود. معرفت حسی به انسان در ارتباط با جهان خارج کمک می‌کند، به همان نحو، که با اطمینان قلبی دادن به صاحبش، بعد ایمانی را نیز تقویت می‌کند. رسول گرامی (ص) می‌فرماید: «لیس العلم بکثرة التعليم بل العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء»: علم به فزونی آموزش نیست، بلکه علم نور است و خداوند در قلب هر کس که خواست فرو می‌اندازد. [کلینی، ج ۱: ۵۵].

«خطای فاحش عبارت است از انبوه‌سازی مفاهیم و متراکم کردن مطالب علمی. هرچه در امر آموزش دینی و تربیت اخلاقی دانش‌آموزان بعد کمی و تراکمی فزونی گیرد، به همان میزان بازدهی و بهره‌وری کمتری حاصل می‌شود» [کریمی، ۱۳۷۹: ۲۵۰].

#### ۴. کمرنگ‌شدن نقش مربیان و معلمان دینی و کاهش اثربخشی الگوها

از آن‌جا که معلمان از ابزارهای مهم تربیت دینی هستند، اگر نقش خود را به خوبی ایفا نکنند، خود از عوامل ایجاد چالش خواهند بود. در نظام تربیتی که قرآن کتاب راهنما و پیامبر بهترین الگوست، کمال مطلوب این است که معلمان بیشترین مطابقت را با روش‌ها و محتویات این نظام داشته باشند. «رکن رکن تعلیم و تربیت دینی، شخصیت اخلاقی و معنوی معلم و مربی است» [حداد عادل، ۱۳۸۵: ۱۷].

با وجود تأکید قرآن بر نقش الگویی معلم و تأثیرپذیری دانش‌آموزان از رفتارها، بعضی معلمان به این نقش مهم تربیتی بی‌توجه هستند و عملکردشان متناسب با انتظار موردنظر دین نیست. «یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لاتفعلون کبر مقتاً عندالله ان تقولوا ما لاتفعلون» [صف / ۲ و ۳]: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که [به آن] عمل نمی‌کنید. نزد خدا موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نکنید.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه می‌فرماید: «گفتار خالی از عمل ممکن است دو صورت داشته باشد: گاهی انسان سخنی می‌گوید که از اول قصد انجام دادن آن را ندارد که نوعی نفاق است، و گاهی سخنی می‌گوید که بعدها انجام نمی‌دهد که این از ضعف اراده است» [طباطبایی، ج ۱۷].

از سوی دیگر، ناآگاهی و نداشتن تخصص لازم موجب سلیقه‌ای عمل کردن و اعمال دیدگاه‌های شخصی می‌شود. در انتخاب روش و وسایل برای انتقال پیام نیز، قالب سخن به صورت پند و نصیحت و اندرز است که با شیوه‌های معلم‌محوری چون شیوه‌ی سخن‌رانی انجام می‌گیرد. در حالی که امروزه شیوه‌های ارتباطی و تبلیغی در جهان به‌گونه‌ای است که ارتباطات سریع و اطلاع‌رسانی گسترده، آخرین اطلاعات را در کمترین زمان در اختیار پژوهشگران و متخصصان قرار می‌دهند.

«البته ادعان داریم محدودیت روش‌ها مربوط به عللی دیگر هم چون محدودیت و نقص برنامه‌ریزی، فقدان شناخت روش‌ها، محدودیت امکانات و فقدان مهارت شغلی و آموزشی در معلمان است» [اسماعیلی، ۱۳۸۴].

گذشته از این در برخی موارد، واگذار نشدن این دروس به متخصصین و یا مرتبط نبودن مدرک تحصیلی باعث می‌شود، حق مطلب آن‌گونه که شایسته است، ادا نشود. البته چند شغلی بودن بعضی از معلمان و داشتن دغدغه‌های معیشتی، و ارزش‌گذاری با معیارهای غیرمنطقی که خود سبب کم شدن اخلاص در این قشر می‌شود را باید به عوامل دیگر افزود.

#### ۵. ناکارآمدی ارزش‌یابی دروس دینی و قرآن

ارزش‌یابی در قالب امتحانات و کنکور، از دیگر عوامل

جریان اخباری  
گرایی این تعصب  
افراطی را که  
راجع به اخبار  
پیدا کردند که  
صحیح و ضعیف  
را باهم یکی  
دانستند، یکی از  
آن جریان‌های  
فکری خطرناکی  
است که در  
دنیای اسلام  
پیدا شد. و اثرش  
جمود فکری  
است



امروزه جوامع  
بین دو حالت  
سرگردان هستند؛  
جهانی‌شدن و  
احساس تعلق  
به فرهنگ و  
ریشه‌های دیرین



انسان مسئول  
گفتار، تدابیر،  
تأییدات و  
اقدامات است که  
به عمل می‌آورد  
و اثر خارجی بر  
جای می‌نهد

چالش برانگیز در تربیت دینی است. دانش آموز ما مفاهیم و مطالب آموزشی را نه برای گسترش فکر و کسب معرفت و لذت یادگیری، بلکه برای کسب نمره و افزایش معدل می‌اندوزد.

جو نمره‌گرایی، پاسخ‌مداری و حافظه‌مداری در نظام ارزش‌یابی و امتحانات باعث می‌شود، دانش آموز رغبت‌ها و نیازهای درونی را با شوق‌های بیرونی جابه‌جا کند که در این صورت آسیبی جبران‌ناپذیر به همراه خواهد داشت. به طوری که ابتکار و خلاقیت، عشق و اشتیاق و ذوق و فعالیت خودانگیز در تعلیم و تربیت تعطیل می‌شود. در نظام آموزشی فعلی، امتحان به جای ایجاد آمادگی و رشد و شوق در رقابتی لذت‌بخش، به ابزاری وحشت‌آفرین تبدیل شده است. نتیجه‌ی این گونه ارزش‌یابی‌ها، کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی است.

«گرایش به مسائل اعتقادی به جای این‌که بر پایه‌ی عشق و ایمان قلبی باشد، معطوف به مشوق‌ها و محرک‌های بیرونی می‌شود و در نهایت ریا و تظاهر، جای‌گزین اخلاق و ایمان می‌گردد و در نتیجه کثرت و فزونی متظاهران به دین، جای‌گزین معتقدان و مؤمنان می‌گردد» [کریمی، ۱۳۷۶: ۲۲۴].

و این امر در مدرسه خلاصه نمی‌شود. ملاک قرار دادن معدل و نمره و ارزش‌یابی درس قرآن و دینی مثل بقیه‌ی دروس در کنکور، نه تنها موجب حفظ و انبوه‌سازی مطالب دینی می‌شود، بلکه نمی‌تواند رفتار دینی و اخلاقی و انگیزش و عشق و شوق لازم را در دانش‌آموز ایجاد کند. در حالی که در «زبان عشق (فطرت)، قضاوت، سنجش، نمره، معدل، مدرک و درجه معنا ندارد. آنچه ارزشمند است، میل و اشتیاق به تعالی معنوی است، نه حرص و ولع در پیش افتادن از دیگران» [همان، ص ۱۰۲].

## ۶. جمود، سطحی‌نگری و ظاهر‌گرایی

از دیگر آسیب‌های تعلیم و تربیت دینی، توجه به ظاهر دین است. به گفتمانی شهید مطهری، شاید اولین آسیبی که به جمود انجامید، از آن‌جا شروع شد که دست بشر از باطن قرآن کوتاه شد. از زمان نزول قرآن، عده‌ای به ظاهر قرآن تمسک پیدا کردند و حتی در مقام انکار باطن قرآن برآمدند. این قشریت و جمود و نفی معانی، بعدها در مکتب‌های فکری و کلامی ادامه پیدا کرد. این آسیب نه تنها راه تعقل را می‌بندد، بلکه موجب می‌شود اخلاقیات و معنویات کم‌رنگ شوند.

«جریان اخباری‌گری این تعصب افراطی را که راجع به اخبار پیدا کردند که صحیح و ضعیف را باهم یکی دانستند، یکی از آن جریان‌های فکری خطرناکی است که در دنیای اسلام پیدا شد و اثرش جمود فکری است؛ همان چیزی که به آن مبتلا هستیم. این‌ها سرایت می‌کنند به عالم تشیع» [مطهری، ۱۳۷۸: ۲۵].

بسیاری از اندیشه‌های متعالی و معنوی در بطون قرآن یافت می‌شوند، اما به تفسیرهای غلط کشانده می‌شوند و اشخاصی با سوءفهم‌ها و قشری‌گری و نادانی، اصالت این معارف و حقایق ناب را از بین می‌برند. قرآن کریم این‌گونه هشدار می‌دهد: «قل هل ننبئکم بالآخسرين اعمالاً الذین ضل سعیمهم فی الحیوة الدنیا و هم

یحسبون انهم یحسنون صنعا» [کهف / ۱۰۴-۱۰۳]: بگو آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانیم؟ [آن‌ان] کسانی‌اند که کوشش ایشان در زندگی دنیا به هدر رفته است و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند.

## ۷. سنت و مدرنیسم

فناوری از حیث ماهیت قادر نیست طرز رفتار را تعیین کند. در این میان امری با عنوان «وجدان» در فناوری یا علم وجود ندارد. این تنها انسان است که وجدان دارد... مسئله‌ی حیاتی اصل دانش نیست، بلکه سوءاستفاده از آن است که امری خارج از مقوله‌ی اخلاق است» [سعادت، ۱۳۸۰: ۱۳۴].

تأثیر فناوری نوین در انحطاط اخلاقی جوامع صنعتی قابل چشم‌پوشی نیست. امروزه حجم وسیعی از فراورده‌های صوتی تصویری از طریق برنامه‌های تلویزیونی، ماهواره‌ها و شبکه‌های بین‌المللی، در اختیار خاص و عام قرار می‌گیرند که ماهیتی غیراخلاقی دارند. انحطاط اخلاقی به تضييع استعدادهای معنوی انسان می‌انجامد و تعلیم و تربیت را دچار چالش می‌کند.

امروزه شاهد پیشرفت‌های مهم در حوزه‌ی روان‌پزشکی، روان‌شناسی و روان‌کاوی هستیم. متخصصان این علوم توانسته‌اند ابعاد ناشناخته‌ی روان آدمی را بکاوند، اما به موازات گسترش دانش بشر، بیماری‌ها و ناهنجاری‌های روانی نیز رو به فزونی هستند. «طغیان تمدن مادی در درون خود، تفکر ایمان به خدا را از بین برده است» [سعید اسماعیل علی، ۱۳۸۰: ۸۹].

تفکر مادی بر رشته‌های گوناگون علمی نیز پنجه انداخته و انسان امروزی را از هر سو احاطه کرده است. تئوری‌هایی مثل علم ژنتیک، شبیه‌سازی، تئوری داروین، مسائل فلسفی مثل عقل انتقادی و معرفت‌شناسی، در کلام مباحثی مثل هرمنوتیک، پلورالیسم و در مسائل اجتماعی مباحثی مثل دموکراسی، سکولاریزم و لیبرالیزم، نه تنها جامعه‌ی دینی را دچار بحران و آسیب می‌سازد، در دانش‌آموزان تضاد و سردرگمی به وجود می‌آورد. «از یک‌سوی، نظام آموزش و پرورش ما بر تعبد و تقلید [مفاهیم و برداشت گذشتگان] تکیه می‌شود و از سوی دیگر، ما می‌خواهیم نسل جوان در حوزه‌ی علوم و مسائل دنیای جدید، عالم، محقق، پرسشگر، خلاق و نقاد باشند» [حداد عادل، ۱۳۸۵: ۳۰]. امروزه جوامع بین دو حالت سرگردان هستند؛ جهانی شدن و احساس تعلق به فرهنگ و ریشه‌های دیرین. نظام آموزشی ما برای رفع این نیازها و ایجاد تطابق تدریجی نیندیشیده است.

## ۸. سیاست‌های فرهنگی و تربیتی

با وجود این‌که طی سال‌های گذشته، یکی از دغدغه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی تعلیم و تربیت نسل جوان بوده است، اما به نظر می‌رسد، بخشی از چالش‌ها با سیاست‌گذاری‌های نظام آموزش و پرورش در ایران مرتبط است که در این مقاله نمی‌گنجد و فقط به‌طور ضمنی به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

■ عدم هماهنگی کامل بین دستگاه‌های تربیتی، از جمله میان راهکارهای عملی خانواده، مدرسه و اجتماع، یکی از عواملی است که موجب تضاد و سردرگمی دانش‌آموزان می‌شود.

■ کمتر شفاف بودن برخی از مفاهیم دینی و سلیقه‌ای عمل کردن که متأسفانه باعث می‌شود برداشت‌های شخصی به نام دین مبنای تربیت قرار گیرند (غافل از این که دیدگاه‌ها و برداشت‌ها و سلیقه‌های شخصی ممکن است در ذهن متربی که فطری و پاک است، مقبولیت پیدا نکند و ما آنان را به بی‌دینی متهم کنیم).

■ وجود برخی تعارض‌ها بین اهداف تربیتی مشخص در نظام آموزش و پرورش و یا تناسب ناکافی میان اهداف مطرح شده با نیاز سنی و شرایط زمان و علایق و انگیزه‌های دانش‌آموزان.

■ نداشتن سیاستی مدون و ثابت و متناسب نبودن اهداف بلندمدت با جهانی شدن.

■ کافی نبودن سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی مادی و معنوی و اولویت ندادن به توسعه‌ی این نهاد ارزشمند با وجودی که عرصه‌ی خطیر تعلیم و تربیت، نظام آموزشی کشور است و بی‌توجهی به آن خسارت‌های جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت.

### نمونه‌ای از چالش‌های موجود فراراه دانش‌آموزان

■ تناسب نداشتن مفاهیم کتاب‌های دینی و قرآن با شرایط سنی آنان.

■ شفاف نبودن مباحث معرفتی و دوگانگی یا چندگانگی در دیدگاه‌ها (بین نظرات معلمان در هر کلاس و دوره‌ای) مثل مسئله‌ی موسیقی یا حجاب.

■ تطابق نداشتن گفتار و رفتار برخی از دست‌اندرکاران امر تربیت و گاه وجود تعارض در آن.

■ بهره‌بردن از فناوری آموزشی و دانش روز در روش‌ها و اهداف.

■ کم‌سوادی و تخصص موضوعی نداشتن برخی از مربیان و معلمان دینی و قرآن.

■ بهره‌نگرفتن از مفاهیم قرآنی به صورت عملی و تکیه داشتن بر قرائت و ظاهر قرآن (در بعضی از دوره‌ها).

■ متفاوت بودن مقررات و احکام اجتماعی و فردی و سلیقه‌ای عمل کردن در بخش‌هایی از دستگاه‌ها.

■ اجبار و اکراه در اجرای احکام و مناسک در بعضی مدرسه‌ها، بدون بیان حکمت احکام و روشن نبودن اهداف.

■ ارزش‌یابی کمی از مفاهیم معنوی و معرفت‌های قلبی و تأکید بر محفوظات.

■ ناهماهنگی و تعامل ناکافی بین دستگاه‌های تربیتی (خانواده، مدرسه و اجتماع).

■ بی‌توجهی به همه‌ی ابعاد از جمله اخلاقیات و تأکید بر رعایت ظواهر.

■ استفاده نکردن از روش‌های غیرمستقیم مثل اردوهای تربیتی

و تکرار مداوم مطالب با روش یکسان و بی‌توجهی به نشاط و شادابی دانش‌آموزان.

■ کاربردی نبودن بعضی از مباحث و احکام دینی در زندگی فردی و اجتماعی.

### راهکارهای مؤثر در رفع چالش‌ها

#### ۱. تأکید و توجه به تفکر و تعقل در تربیت

«لا تلتف ما لیس لك به علم» [اسراء/۳۹]: چیزی را که علم به صحت آن نداری دنبال و پیروی مکن. چیزی که نمی‌دانی مگو و کاری که علم بدان نداری نکن [طباطبایی، ج ۲۵: ۱۶۱].

اذعان داریم که واژه‌ی «عقل» و مشتقات آن ۴۹ مرتبه و واژه‌ی «تفکر» ۱۸ مرتبه در قرآن تکرار شده‌اند. براساس آموزه‌های وحی، شرف و فضیلت انسان به خاطر قدرت تعقل اوست و پرورش عقل باید به عنوان یکی از اهداف اصلی تربیتی مدنظر قرار گیرد. از آن‌جا که اساس دین بر محور پذیرش از روی فهم قرار دارد و تدبیر امری اختیاری است، مدرسه باید فضای مناسبی برای این انتخاب فراهم آورد. دینی که براساس ایمان بدون فهم باشد، شک را به دنبال خواهد داشت. «در جایی که شخص آگاهی ندارد، سکوت اولی است. انسان مسئول گفتار، تدابیر، تأییدات و اقدامات است که به عمل می‌آورد و اثر خارجی بر جای می‌نهد [آموزگار، ۱۳۷۶: ۱۲۰].

اگر دانش‌آموزان ما اندیشه‌ورزی را فرا بگیرند، آن‌گاه به جای اندیشه‌آموزی، هنر تفکر، خلاقیت و ابداع را در خود پرورش خواهند داد و در پدیده‌های حیات و موضوعات اطراف خویش، با نگاه اندیشمندانه خواهند نگرین. از همین‌رو در دین اسلام بر تفکر و تعقل، به منزله عبادت تأکید شده است: کان اکثر عباده ابی ذر التفکر [بحارالانوار، ج ۷۱: ۳۲۳].

کسی که هنر تفکر، خردورزی و غور کردن در خویشتن خویش و محیط پیرامونش را داشته باشد، خودبه‌خود به بیداری فطرت و تقویت تمایلات دینی خود کمک کرده است [کریمی‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۱۹].

البته این تفکر باید از مقاطع سنی پایین شکل بگیرد و به برنامه‌های درازمدت نیازمند است. برای مثال، در حال حاضر حداقل در ۳۵ کشور جهان کلاس‌های آموزش فلسفه برای کودکان طراحی شده‌اند؛ چرا که مفاهیم انتزاعی و پیچیده‌ای وجود دارند که نمی‌توان آن‌ها را در قالب یک کلاس رسمی خشک و با روش‌های متداول به کودک فهماند. اما همین موضوعات را می‌توان در قالب داستان‌های جذاب و با شیوه‌ای غیرمستقیم آموزش داد. در این روش، در عین حال که به دانش‌آموز مسائل اخلاقی تربیتی آموزش داده می‌شود، قدرت تفکر و خلاقیت در او تقویت می‌شود و می‌تواند در آینده نقاد باشد. البته لازم است به فهم معارف توجه شود و علاوه بر تقویت تفکر، غنای اطلاعاتی ایجاد کنیم. چرا که انتخاب اصلح و نقد، به اطلاعات دقیق و ارائه‌ی نظریات و دیدگاه‌های متفاوت نیاز دارد؛ یعنی تبعیت از آن‌چه در قرآن تأکید شده و ملاک است: «قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین» [بقره / ۱۱۱].

در تربیت دینی بنا نیست که صرفاً علم توحید به افراد آموخته شود، بلکه حس خداجوی افراد به‌طور طبیعی و فطری کشف می‌شود



هدف دین رشد فضیلت‌های اخلاقی است نه تعبد صرف و عبادت یک هدف متوسط است



مسائلی که در برابر ذهن دانش‌آموز قرار داده می‌شود، باید از جایگاه واقعی برخوردار باشد و وابسته و بی‌بند یافته با زندگی عینی باشد



## ۲. توجه به فطرت در امر تربیت

در امر تربیت باید فطرت انسان و ساحت وجودی او را مدنظر قرار داد. تربیت اگر با واقعیت (فطرت) آدمی منطبق شود، خودبه‌خود امری دینی است. بدین‌منظور دانش‌آموزان را نباید به کتاب‌های درسی و در قالب آموزش‌های کلاسی محدود و محصور سازیم، بلکه باید با هرچه که انگیزه‌ی حیرت‌زدگی و شگفتی فرد را برمی‌انگیزاند و به ژرفای واقعیت‌های پیرامون سوق می‌دهد، او را به تربیت دینی نزدیک کنیم. بی‌آلایش‌ترین دین‌ها دینی است که در آن آدمی براساس ندای درونی به خدا روی می‌آورد و به وسیله‌ی تعقل آن را می‌شناسد. وظیفه‌ی مربی شکوفایی فطرت پاک و خالصانه‌ی انسانی است. «در تربیت دین، هدف تنها نشان دادن صوری و قالب‌های دینی و یا آموزش دادن ذهنی و حفظ مطالب دین نیست، بلکه فراهم کردن شرایطی است که پیامدها و تأثیرات این مفاهیم و نشانه‌ها در قلب و روح مخاطب جای گیرد» [کریمی‌نیا، ۱۳۷۶: ۲۲۱].

لذا در تربیت دینی، قبل از این که دانش‌آموزان را به حفظ مطالب و ادراک سازیم، باید فطرت خداجوی آنان را تقویت کنیم. قبل از تبلیغ دین، ترغیب لازم است. برای مثال، یکی از شاخص‌های رفتار دینی در دختران، حفظ حجاب است که باید به‌گونه‌ای باشد که آن‌ها در رعایت آن احساس لذت، بزرگی و ارزنده بودن داشته باشند. «منظور از تبلیغ حجاب، نشان دادن دختران بسیار محجبه نیست، بلکه هدف، انتقال این مفهوم است که حجاب اسباب آرامش دادن، تلطیف روح و عفت اخلاقی باشد و این هنری است که باید در روش‌های تربیتی به کار گرفته شود؛ به‌نحوی که از طریق آن فضایی فراهم شود که به واسطه‌ی آن تمایل خودانگیخته و خودمختارانه‌ی مخاطبین به رعایت حجاب تحریک شود و آن‌ها بر اثر دیدن و شنیدن و درک پیامدهای زیبایی‌شناسانه‌ی حجاب، از روی شوق و ذوق به پوشش گرایش یابند» [همان، ص ۲۲۲].

درس‌هایی می‌توانند به تربیت دینی منجر شوند که با فطرت آدمی پیوند معنایی داشته باشند و به جای آموخته‌ها و محفوظات، بر حقایق تکیه کنند. «آن دسته از آموخته‌های مدرسه‌ای می‌تواند به ادراک انسانی و تعالی ارزش‌های آدمی کمک کند که اطلاعات را به معرفت و دانش را به منش و وقایع را به حقایق ارتقا دهد. اگر مطالب صرفاً دینی به این ویژگی نینجامد، قطعاً به مفهوم تربیت دینی به معنای درونی و فطری آن ارتباطی نخواهد داشت» [همان، ص ۱۱۹].

## ۳. بهره‌گیری از تجربه‌ی دینی و هنر عشق ورزیدن

اگر آموزش بخواهد هم توصیفی و هم عینی باشد، حتماً باید تجربی باشد. معلمان آموزش دینی می‌توانند کودکان را در تجربه‌ی زندگی دینی یاری کنند، و از روش‌های مطرح مثل بازدید علمی، شعر، ... و دیگر امور مشخصی که هر معلمی در اختیار دارد بهره بگیرند» [لویت، ۱۳۸۰: ۱۵۱].

در تجربه‌ی ایمان، نوعی هماهنگی فکر و قلب وجود دارد، لذا

برای مقابله با بحران‌های فرا روی نسل جوان، باید توانایی خود را بسنجیم و از میان‌امکانات، مناسب‌ترین شیوه را برگزینیم



به این نکته باید توجه کرد که اگر آموزش در حد گفتن و شنیدن پایان یابد، تفکر تعطیل می‌شود و دانش بدون تفکر، بزرگ‌ترین مانع تربیت است و شخص را به خودبینی، نخوت و کوتاه‌نظری می‌کشد



بر باور استوار است. بنابراین باید زمینه‌های فراهم کرد که دانش‌آموزان بتوانند آن را از درون خود احساس کنند. همه‌ی کسانی که نگران تربیت نسل فردا هستند نیز خود باید این احساس را از درون داشته باشند، نه این که به شیوه‌ی نمایش نقش بازی کنند.

حس دینی و فهم و درک دین در جوهره‌ی وجودی انسان به ودیعه نهاده شده است. این حس را در ذات انسان و پدیده‌های پیرامون خود می‌توان یافت. یکی از پدیده‌ها طبیعت است. «در باور سرخ‌پوستان، طبیعت به تمامی مقدس است و آسیب رساندن به طبیعت به منزله‌ی بی‌احترامی به خالق آن است. همه‌ی اجزای طبیعت به هم پیوسته و عنصری شبکه حیات است» [ایریس یاب، ۱۳۸۱: ۶۵].

از سوی دیگر، ارتباط با طبیعت به‌عنوان مخلوق خداوند، خود موضوعی معنوی است. اگر بپذیریم که تمام مخلوقات نشانی از خداوند در خود دارند، پس می‌توان از طبیعت و هر چه پیرامون ماست درس‌های بسیار آموخت. بدین ترتیب دانش‌آموز فرصت اندیشیدن و باور دارد. «شنیدن آواز پرندگان، رؤیت آثار هنری و زیبایی‌های طبیعت، گوش دادن به سرودهای مذهبی، سکوت مکان‌های مقدس، بویدن گل‌ها، دقت در شعله‌ی شمع، حس کردن خنکی مرمری‌های کف مسجد، دست‌زدن به آبی که مایه‌ی روشنی است، چشیدن خوراکی‌های متبرک، همه و همه می‌توانند قوه‌ی تفکر و تخیل خلاق را در بچه‌ها به حرکت وادارند و آن را فعال سازند. طبیعت کتاب بزرگ آفرینش خداست» [همان، ص ۴۲].

در تربیت دینی بنا نیست که صرفاً علم توحید به افراد آموخته شود، بلکه حس خداجوی افراد به‌طور طبیعی و فطری کشف می‌شود. یعنی با فراهم ساختن زمینه‌ها و شرایط مناسب، انسان فرصت می‌یابد تا به خویش‌باشی بازگردد و به کشف معنایی دین بپردازد [کریمی، ۱۳۷۹: ۶۷].

#### ۴. شناخت انسان و توجه به نیازها و علایق

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های تربیتی، شناختن نیازهای نسل جوان است. لذا در رفع این چالش لازم است دست‌اندرکاران، به شناخت انسان از منظر انسان‌شناسی اسلامی توجه کنند. از نظر اسلام، فرد نه تنها شرارت ذاتی ندارد، بلکه طبق آیات قرآن، خداوند برای او شأن و منزلت و شرافت ذاتی قائل است: «و نفخت فیہ من روحی» [حجر/۱۵]؛ «و علم آدم الاسماء کلها» [بقره/۳۱].

هم‌چنین در قرآن اشاره شده است که انسان بر دیگر موجودات سیطره دارد. لذا برای درک هدف منحصر تربیت و تعلیم، آگاهی از برخی دیدگاه‌های اسلام درباره‌ی انسان مفید است. با بررسی این دیدگاه‌ها متوجه می‌شویم که کمال والای انسانی در گرو شناخت کامل خود انسانی و نیازهای او و برنامه‌ریزی به‌منظور تعدیل نیازهای حیاتی و معنوی اوست؛ مثل شناخت نیازها و آگاهی از روابط سالم بین دختر و پسر و نحوه‌ی ارتباط بین این دو، یا نیاز انسان به تفریح سالم که جزو ضروریات دانش‌آموزان است و شادابی و نشاط لازم را به آن‌ها

می‌بخشد، و به‌طور کلی توجه به همه‌ی نیازهای مادی و معنوی (باید توجه داشت که بی‌توجهی به نیاز جسمی مانع رشد معنوی می‌شود).

#### ۵. توجه به همه‌ی ابعاد تربیتی در آموزش

از آن‌جا که تربیت دینی با رشد تمامی ابعاد شخصیت انسان سر و کار دارد و این تربیت شامل امور جسمانی، عقلی، روحی و روانی است، لذا سازمان‌دهی و تدارک برنامه‌های تربیتی به گونه‌ای که به این هدف والا بینجامد، باید در رأس برنامه‌های تربیتی قرار گیرد.

برای مثال این موضوع روشن است که ارزش عبادات به معنای اخص آن در رسالت انبیا، به معنی جهت بخشیدن به سیر کمالی انسان است. بنابراین در تربیت دینی، نباید خود عبادات هدف قرار گیرند، بلکه برای نیل به اهداف تربیتی باید از آن بهره جست. مثلاً خداوند در قرآن کریم «و بالوالدین احساناً» را در کنار اطاعت خودش آورده است یا در آیات دیگر مثل «ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر» تأکید شده که غایت نماز بازداشتن از فحشا و منکر است. در آیه‌ی «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون» هدف تربیتی روزه، تقوا عنوان شده است و ما را متوجه این نکته می‌کند که هدف دین رشد فضیلت‌های اخلاقی است نه تعبد صرف و عبادت یک هدف متوسط است.

بنابراین باید در کنار احکام، به معنویت و اخلاق که هدف متعالی‌تر است، توجه بیشتری مبذول داریم و دقت کنیم، توجه به پوسته‌ی ظاهری دین (که آفتی در مسیر تربیت است)، ما را از درون و باطن دین دور نکند.

#### ۶. شفافیت آموزه‌های دینی و تطابق آن با شرایط

مفاهیم و معارف دینی باید تا حد ممکن بر واقعیت منطبق باشند، نه بر برداشت‌های شخصی و سلیقه‌ای. مسائلی که در برابر ذهن دانش‌آموز قرار داده می‌شود، باید از جایگاه واقعی برخوردار باشد و وابسته و پیوندیافته با زندگی عینی باشد [آموزگار، ۱۳۷۳: ۱۵]. در عین حال لازم است، فقه موجود پاسخ‌گوی سؤال‌های جدید باشد که خوش‌بختانه ذخیره‌های غنی معرفتی دین در دسترس هستند. یعنی ما در احکام به تحول و ایجاد ابواب جدید با رویکردهای جدید نیاز داریم و متخصصان امر باید به آن بپردازند و ابهام را رفع کنند، نه تنها در احکام، «ما در تمام حوزه‌ها به تئوری‌های جدید و کارآمد نیاز داریم... به‌طوری‌که با جهان جدید و روحیه‌ی نسل جوان امروز متناسب باشد» [حداد عادل، ۱۳۸۵: ۲۲].

#### ۷. تأکید بر روش‌های غیرمستقیم

در صورتی که آموزه‌های دین با وسعت نظر و به شکل‌های جذاب مثل برگزاری اردوها، نمایش فیلم و تئاتر (به‌طور کلی با استفاده از انواع هنرها)، برگزاری کلاس‌های آزاد و جلسات نقد و گفت‌وگو و... به دانش‌آموزان عرضه شود و در آن‌ها انگیزه، شوق و عشق به‌وجود

«تعلیم و تربیت امروز از نبود دو عنصر حیاتی «عشق» و «نظر» رنج می‌برد



آموزش بدون «نظر» و پرورش بدون «عشق» از جمله بزرگ‌ترین آفات دستگاه‌های تعلیم و تربیت معاصر است



هر چه در امر آموزش دینی و تربیت اخلاقی دانش‌آموزان بعد کمی و تراکمی فزونی گیرد، به همان میزان بازدهی و بهره‌وری کمتری حاصل می‌شود



آورد، می‌توانیم به اهداف تربیتی نائل شویم. هم‌چنین مدرسه می‌تواند محیطی بسیار غنی برای بحث و گفت‌وگوی متقابل باشد، و در یک یا چند موضوع دیدگاه‌های متفاوت طرح شوند تا دیدگاه برتر معقولانه مقبول و انتخاب شوند. در این صورت دیگر بر موضوعات کلیشه‌ای و تکراری، ارزش‌یابی، نمره دادن و قبولی در دانشگاه و محفوظات تکیه نمی‌شود و هدف مطلوب به دست می‌آید.

## ۸. جایگزینی رفتار به جای گفتار

«وضع العلم ما وقف علی اللسان و ارفعه ما ظهر من الجوارح و الارکان» [نهج البلاغه: ۱۶۲]: پست‌ترین و نازل‌ترین درجه‌ی دانش آن است که در حد زبان و گفتار متوقف شود و عمیق‌ترین و رفیع‌ترین لایه‌های دانش آن است که در جوارح و ارکان آدمی ظاهر شود.

اگر به‌جای بیان و تشریح و تکرار مستمر پیرامون مباحث تربیتی، خود عمل‌کننده به دین باشیم و به جای اصرار و پافشاری روی محفوظات و اطلاعات سطحی، فرد را در مقام طلب قرار دهیم، دانش‌آموز پذیرش بیشتری نسبت به مربی پیدا می‌کند و خود به دنبال رفتار دینی خواهد بود. «آموزش هنگامی که از سطح به عمق، از ذهن به دل، از مغز به قلب و از زبان به کردار تعالی یابد، و کمیت‌ها جای خود را به کیفیت و تراکم جای خود را به تحول دهد، نوعی اندر یافت ناگهانی و بینش و بصیرت عمقی به فرد دست می‌دهد و اگر چنین شد، آموزش به پرورش می‌انجامد و تربیت شکل عملی به خود می‌گیرد» [کریمی، ۶۳۱: ۹۳۳].

بنابراین باید زمینه‌ی ایمان و معرفت در فرد فراهم شود تا به دنبال آن آداب و رفتار بیاید. اما اگر بر رفتار صرف تکیه کنیم، ممکن است با معرفت و ایمان همراه نباشد. در نتیجه به جمود می‌انجامد.

## ۹. بهره‌گیری از الگوهای تربیتی

در همین راستا یکی از شیوه‌های تربیتی داشتن الگو و اسوه است، برای مثال، در قرآن کریم به الگوهای اشاره شده است، که اگر وارد زندگی روانی و فکری افراد شوند و بتوانیم آن‌ها را از حالت‌های کلیشه‌ای خارج سازیم، می‌توانیم بر رفتارهای تربیتی صحه بگذاریم. البته در زمینه‌ی الگوها نباید علاقه‌ای کور ایجاد شود تا به دوست داشتن صرف بینجامد. لذا بهتر این است که الگوهای زنده و نزدیک‌تر را همراه با جنبه‌های منفی و مثبت معرفی کنیم تا دانش‌آموزان ایده‌آل‌ها را دست‌یافتنی ببینند و در عین‌حال سلسله مراتب را درک کنند.

مسلم است که در این میان نقش الگویی معلمان اهمیت بیشتری دارد. اگر معلمان ما در سطح وسیع تربیت دینی داشته باشند و تمام گفتار و رفتارشان بر معیارهای شناخته شده منطبق باشد، مسلماً می‌توان گفت که تربیت دینی اتفاق افتاده است. «معلم خوب بیش از نیاز به اعتقاد شخصی، به ویژگی‌های یک معلم خوب نیاز دارد. معلمان برای این که بتوانند با اعتقادات گوناگون بدون پیش‌داوری مواجه شوند،

باید از حلقه‌ی اعتقادات شخصی خارج گردند. لذا به دانش و فهم عقاید گوناگون و تخصص در هر یک از موضوعات نیازمندند [مابری لویت، ۱۳۸۰: ۱۵۶].

بنابراین در عرصه‌ی آموزش به متخصصان تعلیم و تربیت نیازمندیم؛ معلمانی که علاوه بر تخصص در آموزه‌های وحیانی، به امور فلسفی و دیدگاه‌های مختلف مکتب‌ها آشنایی داشته باشند و از نظر رفتاری نیز بهترین اسوه و الگو باشند. بنابراین معلمان دینی باید فکورترین و فهمیم‌ترین معلمان، هم از نظر قدرت تفکر و هم از نظر کثرت معلومات باشند. نه تنها تخصص علمی نیاز ضروری یک معلم است، بلکه او باید از نظر اخلاق و شیوه از پیامبر الگو بگیرد؛ چرا که ایشان رحمة للعالمین، حریص برای نجات امت خویش، صبور و شکیبا، رؤف و مهربان هستند.

هنر یک معلم دانا و با تجربه در این نیست که دائماً در پی تزریق و تحمیل اطلاعات، داده‌ها و دانسته‌های علمی به دانش‌آموزان باشد، بلکه هنر او ایجاد عشق به دانستن، کشف کردن و خلق کردن در فراگیرنده حتی تا مرز شورش و عصیان دانش‌آموز علیه دانسته‌های خویش است [کریمی، ۱۳۷۹: ۵۳].

## ۱۰. پرهیز از اجبار

اگر بخواهیم تربیت دینی فایده داشته باشد، باید اشکالات موجود را برطرف کنیم. باید توجه داشت که آگاهی دینی امری قلبی است و نمی‌توان آن را به کسی تحمیل کرد. بنابراین باید فضای مدرسه را به نحوی طراحی کرد که دانش‌آموزان خود به سوی تجربه کردن برخی احساس‌های مذهبی سوق پیدا کنند.

باید تعصب، اعتقاد کورکورانه و دید محدود از ذهن دانش‌آموز رخت بریند. باید دانش‌آموز را در رویارویی با بحث‌ها و استدلال‌های علمی و به‌طور کلی مطالبی که به دین مربوط می‌شود، آزاد گذاشت. مثلاً ممکن است دیدن یک برگ سبز و مشاهده‌ی آسمان و فلک خود نمادی خاموش اما گویا از تربیت دینی، تعالی روح و تزکیه‌ی نفس باشد [همان، ص ۲۲۰].

از سوی دیگر، باید در متون و کتاب‌های دینی دیدگاه‌های مختلف ارائه شود و هر کس از دیدگاه خودش دفاع کند. تربیت کامل، تربیتی است که فرد با همه‌ی دیدگاه‌ها آشنا باشد تا بتواند به انتخاب اصلح برسد.

لازم است شکل تعلیم دین از نظر تلقینی محض و یک‌سویه بودن خارج شود و با عرضه‌ی دیدگاه‌های گوناگون و نقد آن با شیوه‌های دیگر قابل بررسی، تغییر یابد و تنظیم شود و براساس مصالح زمان و به روز ارائه گردد.

## ۱۱. ایجاد تعامل سنت و تجدد

تردید نیست که علوم و فناوری سبب تأثیر گذاشتن بر علائق، نگرش‌ها، بلندپروازی‌ها و ارزش‌های جوان شده است (گرچه پیشرفت

از آن‌جا که معلمان از ابزارهای مهم تربیت دینی هستند، اگر نقش خود را به خوبی ایفا نکنند، خود از عوامل ایجاد چالش خواهند بود. در نظام تربیتی که قرآن کتاب راهنما و پیامبربهترین الگوست، کمال مطلوب این است که معلمان بیشترین مطابقت را با روش‌ها و محتویات این نظام داشته باشند



ناآگاهی و نداشتن تخصص لازم موجب سلیقه‌ای عمل کردن و اعمال دیدگاه‌های شخصی می‌شود





مادی پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای ماست، اما نتوانسته پاسخ‌گوی نیاز جاودانه‌ی روح انسانی باشد. «اساس درد و رنج و یأس و ناامیدی، همان خلأ وجود است. قلوب ما همواره تا زمانی که به خدا تکیه نکنند، در التهاب و نارضایتی است و هرگز روی آرامش نخواهد دید... علاج این تناقض بازگشت به خدا و انعکاس آن در نظام تعلیم و تربیت ماست» [مایری لویت، ۱۳۸۰: ۱۵۰].

ما به همان نسبتی که در مصرف با جهان شریک می‌شویم، فرهنگ جهان مصرف را می‌پذیریم. این مصرف نه فقط در نحوه‌ی زندگی ما دخیل است، آداب را هم تغییر می‌دهد. باید به این نکته‌ی مهم توجه کرد که برای مقابله با بحران‌های فرا روی نسل جوان، باید توانایی خود را بسنجیم و از میان امکانات، مناسب‌ترین شیوه را برگزینیم. البته مهارت در زمینه‌های گوناگون دانش، تقویت نیروهای درونی، توجه به ارکان دین و شناخت انسان، از جمله اموری است که به ما مصونیت می‌دهد.

«آموزش و پرورش رسالت دارد هر یک از افراد جامعه را قادر سازد تا استعدادهایش را تا حداکثر ظرفیت پرورش دهد و توانمندی‌های خلاقشان را بشناسد تا آن‌ها یاد بگیرند، چگونه با پیچیدگی‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی فردی و اجتماعی و جهانی سازگار گردند» [حداد عادل، ۱۳۸۵: ۱۱۲].

باید دانش آموزشی متعادل تربیت کنیم تا استواری شخصیت آنان مانع اثرپذیری غیرمنطقی شود. «افراد در برخورد با مسائل، نیازمند نوعی تعادل عاطفی هستند تا ارزیابی‌شان تحت‌الشعاع قرار نگیرد. خداوند نیز در قرآن می‌فرماید: شما اگر به تقویت درونی بپردازید، گمراهی آنان که گمراه شدند، به شما آسبیبی نمی‌رساند؛ یعنی به جای مخفی کردن افراد از موج‌ها، قوت درونی را پرورش دهید» [باقری، ۱۳۸۵].

پس باید دستگاه آموزشی ما اولاً به ارکان دین و شناخت انسان توجه داشته باشد و باورهای درونی فرد را تقویت کند. در ثانی هر کدام از اجزای سنت و مدرنیته را به‌طور دقیق تعریف کند و مشخص سازد که کدام جزء با کدام جزء در تعارض است و دین برای این تعارض چه راه‌حلی ارائه می‌دهد.

«با بیان قوت‌ها و ضعف‌ها و مشخص کردن تخریب‌ها و سازندگی‌ها ذهنیت روشنی برای فرد ایجاد کنیم تا بتواند نسبت به این جریان‌ها دوری کند و دست به انتخاب بزند» [پیشین]. باید یک ارزیابی معقول و منطقی (نه متعصبانه و غیرمنصفانه) از جریان‌ها و فرهنگی انجام شود. اگر بتوانیم از تجدد بجا استفاده کنیم، می‌توانیم میان دین و تجدد نسبت درست برقرار سازیم.

## ۱۲. ایجاد هماهنگی بین سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار تربیت

ضرورت آگاهی عمومی و انسجام کلی در خطمشی همه‌ی عوامل اجتماعی مؤثر اعم از خانواده، مدرسه، صدا و سیما، نهادها و سازمان‌های زیربسط باعث می‌شود تا جریان تربیت به‌طور مستمر

صورت گیرد.

در ناهماهنگی بین حکم اخلاقی و رفتار اخلاقی و... فناوری آموزشی پا به عرصه می‌گذارد. با محرکات لازم در زمینه‌ی شناختی کمک به درک مفاهیم انتزاعی، استفاده از انگیزه‌های گوناگون برای جلب توجه همه‌ی افراد برای غلبه بر تنش‌های اصلی درون فرهنگی قلمرو، سازگاری خود را از محدوده‌ی قومیت و ملیت کشور خویش فراتر ببرند و در اقصا نقاط جهان گسترش دهند [حداد عادل، ۱۳۸۵: ۱۳].

افراد باید یاد بگیرند که چگونه در دنیای همگانی و دهکده‌ی جهانی که همه چیز یکدست و هم‌نوا و هم‌گرا شده است، تمایز یافتگی و هویت مستقل خود را در عین آزمایش با دیگران حفظ کنند. در این نوع یادگیری ضرورت ایجاب می‌کند که افراد به تدریج شهروندانی جهانی شوند، بدون آن‌که اصالت خود را از دست بدهند و در همان حال نقشی فعال در زندگی بومی و محلی خود داشته باشند. اللهم وقتنا لماتحب و ترضی.

جونمره‌گرایی، پاسخ‌مداری و حافظه‌مداری در نظام ارزش‌یابی و امتحانات باعث می‌شود، دانش‌آموز رغبت‌ها و نیازهای درونی را با شوق‌های بیرونی جابه‌جا کند که در این صورت آسبیبی جبران‌ناپذیر به همراه خواهد داشت

ملاک قرار دادن معدل و نمره و ارزش‌یابی درس قرآن و دینی مثل بقیه‌ی دروس در کنکور، نه تنها موجب حفظ و انبوه‌سازی مطالب دینی می‌شود، بلکه نمی‌تواند رفتار دینی و اخلاقی و انگیزش و عشق و شوق لازم را در دانش‌آموز ایجاد کند

### منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج‌البلاغه
۳. آموزگار، محمدحسن. اسلام و تربیت عقلانی و اجتماعی. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان. ۱۳۷۶.
۴. حداد عادل، غلامعلی. آسیب‌شناسی تربیت دینی. گفت‌وگو با غلامعلی حداد عادل. انتشارات مدرسه. تهران. چاپ پنجم. ۱۳۸۵
۵. طباطبایی، محمدحسین. تفسیر المیزان (ج ۱ و ۱۷). ترجمه‌ی سیدمحمدباقر موسوی همدانی. انتشارات اسلامی.
۶. کریمی، عبدالعظیم. از ناکجا به هر کجا تعلیم و تربیت به کجا می‌رود؟ مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۹.
۷. کریمی‌نیا، محمدعلی. الگوهای تربیت کودکان و نوجوانان، انتشارات پیام مهدی. ۱۳۷۶.
۸. کلینی، ثقه‌الاسلام ابی جعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق. اصول کافی (ج ۱) کتاب فضل العلم. ترجمه‌ی مصطفوی جواد.
۹. مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار (ج ۴).
۱۰. لویت، مایری. مجموعه‌ی مقالات تعلیم و تربیت دینی (گفت‌وگو). ترجمه‌ی شهاب‌الدین مشایخی‌راد. پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه. قم. ۱۳۸۰.
۱۱. علی، سعیداسماعیل. مجموعه‌ی مقالات تعلیم و تربیت دینی (گفت‌وگو). ترجمه‌ی شهاب‌الدین مشایخی‌راد. پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه. قم. ۱۳۸۰.
۱۲. سعادت، جان. مجموعه‌ی مقالات تعلیم و تربیت دینی (گفت‌وگو). ترجمه‌ی شهاب‌الدین مشایخی‌راد. پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه. قم. ۱۳۸۰.
۱۳. مطهری، مرتضی. اسلام و مقتضیات زمان، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
۱۴. یاب ابریس. کلیدهای تربیت. ترجمه‌ی مسعود حاجی‌زاده. انتشارات صابرین. ۱۳۸۱.

۱۵. مصاحبه با دکتر خسرو باقری. شورای فرهنگی اجتماعی زنان.

16. www.serag.com
17. www.Shiasearch
18. www.Andishegom.com